

عنوان مقاله:

مقایسه تاثیر الگوهای طراحی آموزشی مريل و گانيه بر بار شناختی، یادگیری و بهره‌وری آموزشی

محل انتشار:

فصلنامه فناوری آموزش، دوره 14، شماره 4 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

وحید صالحی - گروه علوم تربیتی، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، ایران

بهزاد قنبری - گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

پیشینه و اهداف: با اهمیت یافتن روز افزون چند رسانه ای های آموزشی و بهره گیری از ویژگیهای تعاملی و منحصر بفرد آنها در فرایند یاددهی یادگیری، شاهد طراحی و تولید بیش از پیش این فناوری و استفاده از آن در آموزش دروس و سطوح مختلف سیستم آموزشی می باشیم. نظریه بار شناختی به عنوان یکی از نظریه های مرتبط با پردازش اطلاعات، از تاثیر گذارترین نظریه ها در طراحی آموزشی و راهنمایی موثر برای طراحی چندرسانه ای ها و سایر مواد آموزشی است. فرض اساسی این نظریه بر آن است که یادگیرندگان به هنگام مواجهه با اطلاعات جدید، از ظرفیت حافظه فعال بسیار محدودی برای پردازش برخوردارند. هدف این نظریه، پیش بینی نتایج یادگیری با در نظر گرفتن قابلیت ها و محدودیت های ساختار شناختی انسان است. نظریه بار شناختی بر مبنای این ایده استوار است که طراحی مواد آموزشی باید بر اساس دانش ما درباره نحوه عملکرد ذهن انسان باشد. بر اساس این فرض، فرایندهای مختلف کسب دانش و درک و فهم، بر اساس باری که بر سیستم شناختی انسان (که سیستمی فعال و دارای ظرفیت محدود پردازش اطلاعات است) وارد می کنند توضیح داده می شوند. از آنجا که این نظریه بین ویژگیهای طراحی مواد آموزشی و اصول پردازش شناختی انسان پیوند برقرار می کند، می توان از آن در طیف گسترده ای از محیط های یادگیری استفاده نمود. هدف پژوهش حاضر مقایسه تاثیر الگوهای طراحی آموزشی مريل و گانيه بر بار شناختی، یادگیری و بهره‌وری آموزشی دانش‌آموزان در درس علوم تجربی بود. روشها: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل بود. جامعه آماری را کلیه دانش‌آموزان پسر پایه ششم ابتدایی شهر قزوین تشکیل میدادند. نمونه آماری شامل سه کلاس ۳۰ نفره با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و این کلاسها به صورت تصادفی به عنوان گروههای آزمایش و کنترل در نظر گرفته شدند. مواد و ابزار پژوهش شامل چندرسانه‌های آموزشی، آزمونهای یادگیری و نیز مقیاس سنجش بار شناختی بود. گروه آزمایش اول با چندرسانه‌های مبتنی بر الگوی مريل، گروه آزمایش دوم با چندرسانه‌های مبتنی بر الگوی گانيه و گروه کنترل با چندرسانه‌های بدون الگو آموزش دیدند. برای تجزیه و تحلیل دادهها از آزمون تحلیل کوواریانس (آنکوا) استفاده شد. یافتهها: نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که چندرسانه‌های مبتنی بر الگوی طراحی آموزشی مريل در مقایسه با چندرسانه‌های مبتنی بر الگوی طراحی آموزشی گانيه و چندرسانه‌های بدون الگو منجر به بار شناختی کمتر، یادگیری و بهره‌وری آموزشی گانيه و چندرسانه‌های بدون الگو منجر به بار شناختی بیشتر شده است. همچنین، چندرسانه‌های مبتنی بر الگوی طراحی آموزشی گانيه در مقایسه با چندرسانه‌های بدون الگو منجر به بار شناختی کمتر و یادگیری و بهره‌وری آموزشی بیشتری شد. نتیجه‌گیری: همواره یکی از دغدغه های طراحان آموزشی در فرایند طراحی محتوای چندرسانه‌های آموزشی و سایر مواد یادگیری، معطوف به انتخاب مناسب الگوهای طراحی آموزشی بوده است. از آنجا که الگوهای مختلفی برای طراحی آموزشی مواد یادگیری وجود دارد، جهت انتخاب الگویی مناسب، باید به مبانی نظری و نتایج پژوهش ...

کلمات کلیدی:

چند رسانه ای آموزشی، الگوی طراحی آموزشی، بار شناختی، یادگیری، بهره وری آموزشی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1198780>



